

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"اللیوم تأییدات ملکوت ابهی با نفوسی است که هر ذکری و فکری و نعتی ووصفی و صفت و سمتی را فراموش نمایندو به کلی فانی در جمال مبارک گردند و به نشر نفعاتش مشغول شوند شب و روز مشغولیاتشان در این باشدو مادون این خُسران مُبین است..."

منتخبات مکاتیب ص ۱۳۹

عنوان: همتی دوباره با الهام از اسفار حضرت عبدالبهاء به غرب

تقاضا: عزیزان و همراهان برای بهره مندی بیشتر از این برنامه متمنی است در آغاز و قبل از شروع جمع سؤال مندرج در قسمت شور و مشورت را مطرح نموده و عزیزان را به تأمل و تفکر در خصوص آن با عنایت به مطالب تهیه شده تشویق فرمائید و در وقت مقتضی در این رابطه به شور و تبادل نظر پردازید

فهرست:

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- ذکر دسته جمعی (تعالی الکریم...۹ بار
- ۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۵- بخشی از پیام مبارک رضوان ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم الهی
- ۶- پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ اوت ۲۰۱۰
- ۷- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله
- ۸- سفرهای مبارک حضرت عبدالبهاء به قلم حضرت ولی محبوب امرالله
- ۹- سفرهای حضرت عبدالبهاء به قلم جناب فریدون وهمن:
- ۱۰- شور و مشورت (از سفرهای حضرت عبدالبهاء چه چیزهائی بیاموزیم که در خدمات امروزمان به کارمان آید؟)
- ۱۱- حکایت
- ۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

- ۱۳- الفت و پذیرائی
- ۱۴- مناجات خاتمه

هوالبهی

... ای پاک یزدان قوت و قدرتی عنایت فرما و عون و عنایتی مبذول کن تا به وصایا و نصائحت قیام نمائیم و به نفحات خُلق و خویت به احیای عالم و امم پردازیم به موجی از امواج بحر اعظمت جهان ا یجاد پر از لئالی حکمت گردد و به فیضی از بحر رحمتت فضای امکان رشک روضهٔ جنان گردد پای استقامتی عنایت فرما و قوهٔ ثبوت و رسوخی بخش تا بر آنچه سبب اعلاء کلمهٔ امر تو است قیام نمائیم و بر هدایت من علی الارض بایستیم

ع ع

مجموعه مناجات چاپ آلمان ص ۷۲

۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

" حال باید احبای الهی روش و سلوک عبدالبهاء گیرند و شب و روز به تبلیغ امرالله کوشند ولی به حالتی که عبدالبهاء در امریکا بود. زیرا خود مبلغ باید در وقت تبلیغ متأثر باشد. بیانش مانند شعلهٔ آتش تا کلامش تأثیر کند و پردهٔ حجابات نفس و هوی بسوزاند و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا به آهنگ ملاء اعلی تبلیغ کند و الا تأثیر ننماید.

نجم باختر ش ۱۵ ص ۳

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء:

...عبدالبهاء با وجود آنکه سه ناخوشی مزمن داشت و اطباء حیفا گفتند که چندی آسایش فکر و راحت از برای او لازم است و باید با کسی معاشرت نکند و چیزی ننگارد و به فکری مشغول نشود بلکه در جائی خلوت در نهایت راحت محل مرتفعی که لطافت هوا و حلاوت منظر و عذوبت ماء دارد بگذراند و الا از این امراض ثلاثه خوف و خطر است. در چنین وقتی ملاحظه شد که پیش از حصول موت و فوت باید حرکتی مذبوحانه نمود تا به حال تبلیغ عمومی در غرب نشده است با آن کسالت و علت بغتهٔ از حیفا رو به دریا و سر به صحرا و کوه و بیابان نهاد و به جمیع ممالک غرب رفت و در حالت شدت مرض عصبی و نوازل صدری در هواهای سرد از صبح تا نصف شب در محافل و مجامع فریاد زد و ندای ملکوت به جمیع مسامع رساند. حال عبدالبهاء در کمال ضعف و نقاقت مراجعت به شرق نموده منتظر آن است که حوادث خوشی بشنود تا شفای صدر و راحت قلب حصول یابد... امیدوارم که احبای الهی... روش و سلوک عبدالبهاء گیرند.

منتخبات مکاتیب ج ۵ ص ۶۵

۵- بخشی از پیام مبارک رضوان ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم الهی

شایسته چنان است که هر مؤمن مخلص توجّه به حضرت عبدالبهاء نماید، شخصیت عظیم الشانی که امسال صدمین سال "اسفار تاریخی" حضرتش را به کشور مصر و جهان غرب گرامی می‌داریم. آن طلعت نورا به نحوی خستگی‌ناپذیر در هر فضای اجتماعی - در منازل و نوان‌خانه‌ها، در کلیساها و کنائس، در پارک‌ها و میادین عمومی، در قطارها و کشتی‌ها، در باشگاه‌ها و انجمن‌ها و در مدارس و دانشگاه‌ها - به ابلاغ و انتشار تعالیم مبارک اقدام نمود و با قاطعیت کامل ولی با شیوه‌ای بی‌نهایت آرام و متین به دفاع از حقایق پرداخته اصول و مبادی الهیه را بر طبق مقتضیات این عصر تشریح فرمود. آن حضرت بدون ادنی فرق و تمایزی و به مقتضای نیاز افراد، برای همگان - اولیای امور، دانشمندان، کارگران، کودکان، والدین، تبعیدشدگان، فعالان اجتماعی، روحانیون و شگاکيون - پیک محبت، سرچشمه حکمت و مایه تسلی و راحت بود. هم‌چنان که قلوب‌شان را به اهتزاز می‌آورد، فرضیات‌شان را زیر سؤال برده به دیدگاه‌شان جهت جدیدی می‌بخشید و آگاهی آنان را وسعت داده قوایشان را در مصالح عالم انسانی متمرکز می‌ساخت. هیکل اطهر قولاً و عملاً، چنان همگان را مورد محبت و شفقت و جود و کرم خود قرار می‌داد که قلوب به کلی تقلیب می‌شد و هیچ‌کس از حضور مبارک محروم بازمی‌گشت. امید و طید این جمع آن است که در طی این دوران بزرگداشت صدمین سال آن اسفار تاریخی، یادآوری مکرر وقایع حیات بی‌نظیر آن هیکل بقا روح جدیدی به قلوب ستاینندگان صادق حضرتش بخشد. پس مثل اعلاى مولای حنون را نصب العین خود سازید و آن را در پی‌گیری اهداف نقشه راهنمای خویش قرار دهید

۶- ترجمه ای از پیام بیت العدل اعظم الهی ۹ اوت ۲۰۱۰

بهائیان عالم طراً ملاحظه نمایند

یاران عزیز محبوب

عزیمت حضرت عبدالبهاء، در یکصد سال پیش، از حیفا به مقصد پورت‌سعید آغاز فصل جدید جلیلی در وقایع تاریخ امر مبارک را رقم زد. مقدر چنان بود که ایشان تا سه سنه به ارض اقدس مراجعت نفرمایند. حضرت ولی امرالله، بعدها، در اشاره به این واقعه مهم تاریخی فرمودند، "سطوع انوار حقیقت بر افق باختر و استقرار امر مقدس حضرت بهاءالله در اقطار غربیه که از شوون و مظاهر بهیته دوره میثاق محسوب قوای عظیمه روحانیّه و ثمرات جنیّه طیبه‌ای ببار آورد که الطاف مخصوصه نیر پیمان و شرکت مرکز عهد رحمان را در تمشیت امور و تنسیق خدمات تاریخی یاران آن سامان به خود جلب نمود و اراده مبارک بر اعلاء کلمه ربّانی و ندا به ملکوت یزدانی در مدن و دیار غرب تعلق گرفت." ^۱ با شروع اسفار حضرت عبدالبهاء به غرب، امر مبارک حضرت بهاءالله، که مدتی بیش از نیم قرن محاط به اعداء و ظلم و ستم آنان بود، از محدودیت رهایی یافت. برای اولین بار از تأسیس این امر مبین، ریاست و قیادت رسمی امر مبارک از آزادی عمل بهره‌مند گردید تا بدون قید و بند به اجرای رسالت الهی خود قیام نماید.

طبق معیارهای عالم عنصری، به نظر نمی‌رسید حضرت عبدالبهاء مهتای اجرای وظیفه‌ای باشند که پیش روی ایشان قرار داشت. شصت و شش سال از عمر مبارک می‌گذشت؛ محروم از تحصیلات رسمی، همواره در تبعید از اوان طفولیت، چهل سال در حبس و زندان، نا آشنا با آداب و زبانهای اهل غرب؛ با این همه، بی آن که در اندیشه آسایش خویش باشند، یا خطراتی که در راه بود ایشان را از عزم راسخ منصرف نماید، متکی به تأییدات الهیه، برای حمایت از امر الهی قیام فرمودند. با نفوس متنوعه در نه کشور در سه قاره از قارات عالم تعامل داشتند. وسعت مساعی و شدت مجهودات خستگی‌ناپذیر آن طلعت نورا چنان بود که "عشاق روی مبینش را در شرق و غرب در دریای شگفتی و اعجاب مستغرق ساخت" و "نفوذ و تأثیر نامتناهیش را در جریان تاریخ این امر ابداع اعظم باقی گذاشت."

در طی چند سال بعد، بهائیان در اطراف و اکناف عالم در کمال مسرت و بهجت بسیاری از وقایع مرتبط با سفر تاریخی حضرت عبدالبهاء را در یاد و خاطر خود محفوظ نگه داشتند. اما این سالگرد اهمیتیتی به مراتب فراتر از زمانی برای تکریم دارد. کلامی که حضرت عبدالبهاء در طی اسفار خود بدان تفوه فرمودند، و سلوک و شیم حضرتشان که در حدّ اعلائی از مدارج حکمت و محبت بود، منبع عظیمی از الهام و بصیرت فراوان است که احاد احبّای الهی امروز می‌توانند، در مساعی خویش برای اقبال نفوس مستعدّه، ارتقاء قابلیت برای خدمت، تأسیس جوامع محلّی، تقویت تشکیلات امریه، یا اغتنام فرصت‌های بارزه جهت مبادرت به اقدامات اجتماعی و مشارکت در گفتگوهای عمومی از آن نصیب وافر ببرند. لہذا، نه تنها بر دستاوردهای حضرت مولی‌الوری و آنچه که طلعت انور به جریان انداختند، بلکه بر کارهایی نیز که ناتمام باقی مانده و مولای محبوب ما را به اجرای آن فرا خوانده‌اند، باید تأمل و تفکر نماییم. حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه‌ء ملکوتی، عمق اشتیاق خویش را بیان فرمودند:

ای کاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولو به کمال فقر به آن صفحات مسافرت می‌نمودم و نعره‌زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الابهی می‌گفتم و ترویج تعالیم الهی می‌نمودم. ولی حال از برای من میسر نه؛ لہذا در حسرتی عظیم هستم. بلکه انشاء الله شماها موفق گردید.

قریب یک قرن از زمانی که این بیانات مبارکه از قلم آن حضرت صادر شده گذشته است. مراحل متوالی نقشه‌ء ملکوتی با کمال موفقیت اجرا شده و امر مبارک در جمیع زوایای عالم استقرار یافته است. احبّاء در نقاطی که حضرت عبدالبهاء مشتاق سفر به آن بودند حضور دارند. افراد، جوامع و تشکیلات هم‌اکنون از قابلیت لازم برای اقدام منسجم، سیستماتیک و مستمر برخوردارند. لہذا، در طی این دوران گرانقدر تجدید خاطر جمیع ما، عاشقان باوفای آن حضرت، به اسم آن طلعت انور قیام و اقدام نماییم. هر نفسی از احبّای الهی سهم خویش را، هر قدر ناچیز، برای ترقی و تقدّم نقشه‌ای که طلعت اطهر بانی و موجد آن بودند - آن میراث مرغوب ابدی - ایفا نماید

بیت العدل اعظم

۷- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

"به کرات و مرات از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی اساسیه و تعالیم اصلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی رؤس الاشهاد اعلان و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص به طالب مستعد به همان اسلوب بدیع و لحن جدید و تربیت کامل که موافق و مطابق مشرب عالم است القاء گردد، چیزی نگذرد که مستمع منقلب گردد و نور ایمان در قلبش پرتو افکند .

حال بکوشیم تا به این شرائط و صفات مزین و مفتخر گشته، جام طافح عرفان الهی را بر تشنگان عالمیان برسانیم هر یک این شیوه مرضیه را پیش گیریم و این وظیفه مقدسه را انجام دهیم، اجرمان در ملکوت الهی عظیم است و ثوابمان جزیل اینست استدعای قلبی این عبد از هر یک از حبیبان و جان نثاران عبدالبهاء، وهیچ شک و شبهه ای نداشته که این استدعا و تمنای اول و آخر این عبد آستان را قبول خواهند فرمود و روح مقدس حضرت عبدالبهاء را در ملکوت جلال شاد و خرم خواهند کرد.

منتخبیات آثار حضرت ولی امرالله ص ۱۲۹

۸- سفرهای مبارک حضرت عبدالبهاء به قلم حضرت ولی محبوب امرالله

در طی این اسفار از هیکل مبارک چنان روح حیات و استقامت و انقطاع و فعالیت و توجه تام و حصر افکار در اجرای منظور مقدسی که لأجل آن قیام فرموده بود ظاهر و باهر گردید که ملازمان حضور و کافه نفوس که از نزدیک افتخار ملاحظه اطوار و افعال آن وجود اقدس راداشتند در دریای بهت و حیرت مستغرق شدند... به صحت و سلامت خویش اهمّیت نمی داد و با وجود ضعف و نفاقت به آسایش و راحت خود نمی پرداخت. شب و روز به نشر نجات الله مشغول بود و روز و شب به تبشیر ملکوت الله مألوف... از تفقد حال ملهوفین و دلجوئی مظلومین و عیادت مرضی و بذل به فقرا و مستمندان آن دیار خود داری نداشت. چون ابر رحمت بر اراضی قلوب کئیبه می بارید و چون آفتاب مکرم بر ارواح و عقول مستعدّه پرتو می افکند. به اعتراضات رؤسا و پیشوایان متعصب مذهبی اعتنا نمی فرمود و به حملات مغلین تحریکات مخالفین وقعی نمی گذاشت... برتر و بالاتر از همه این مراتب سجدیه محبت و عطوفتی بود که آن قدوه اهل بهاء و مرکز عهد اتم اوفی به کمال خلوص و صمیمیت نسبت به کافه ناس از بیگانه و آشنا و ضعیف و شریف علی حدسوی ابراز میداشت. و این اظهار عنایت و بذل مرحمت به مکان و زمان مخصوص محدود نبود و به افراد معدود اختصاص نداشت بلکه جمیع نفوس در هر مقام و رتبت و از هر طبقه و ملت که به محضر انورش مشرف و به فیض زیارتش مفتخر مشمول الطاف بیکران و مورد فضل و احسان بی پایانش واقع می گشتند. قرن بدیع ج ۳ ص ۱۸۵-۱۸۱

۱۱- حکایت:

جناب آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی در مرقومه ای نگاشته اند که:

فرمودند: من یکی از بندگان جمال مبارک هستم مانند جمیع بندگان دیگر او ولكن فرقی که در میان من و دیگران هست اینست که دیگران خیالات خودشان را متابعت می نمایند ولكن من آنچه را جمال مبارک فرموده است اطاعت می نمایم. ملاحظه نما که من با این حالت ضعف و نفاقت جمیع امور را گذاشته و به تبلیغ قیام نموده ام شب گذشته در منزل اسپرانتوها در سر میز من حالت نشستن نداشتم تا چه رسد به غذا خوردن و با آن حالت برخاستم و با نفوس صحبت نمودم.

نجم باختر ش ۳ ص ۵

ای یگانه مولایم و ای مهربان دانایم این دوستان حقیقی را از ابریق رحیق مختوم بنوشان و این یاران معنوی را از آثار تجلی انوار گشایشی بخش و بر عبودیت درگاه چون عبدالبهاء ثابت و مستقیم فرما انک انت المقتدر العزیز الوهاب

ع ع

مجموعه مناجات چاپ آلمان ص ۲۹

۹- سفرهای حضرت عبدالبهاء به قلم جناب فریدون وهمن:

"عبدالبهاء طفلی هشت ساله بود که همراه با پدر و خانواده اش از ایران به عراق و سپس به استانبول و ادرنه و سرانجام به عکاتبعید گردید و تا شصت و هشت سالگی در سرزمین فلسطین یا در زندان و یا تحت نظر مقامات دولت عثمانی بود. با سقوط دولت عثمانی و تغییر حکومت در آن کشور عبدالبهاء نیز همراه با سائر زندانیان سیاسی و دینی آزاد شد و دو سال بعد یعنی در سن هفتاد سالگی سفری طولانی به غرب آغاز نمود... شرح این سفرهای تاریخی در سفرنامه هائی که منشیان او نگاشته اند و در خاطرات دهها بهائیان یا غیر بهائینی که عبدالبهاء را ملاقات کردند، و در مقالات دهها روزنامه آمده است. در تاریخ ایران نخستین بار است که می بینیم یک ایرانی در سفری چنین دور و دراز افکار و آرائی که زلدگاهش ایران و ریشه و اساسش روح فکری و دینی ایران است با خود به ممالکی چنین دوردست می برد، در باره آن سخن می گوید، و هزاران تن را شیفته و مجذوب تعالیمی که اساسش صلح و آشتی است و سرزمینی که زادگاه آن تعالیم است می کند.

عبدالبهاء همه جا به عنوان پیام آور ایرانی معروف بود و در تمام دوران سفر لباس و هیئت ایرانی، و حتی ساعات غذا بر سبک ایرانی حفظ نمود. دو نروز را جشن گرفت و در باره اهمیت و عظمت این جشن تاریخی سخن گفت. دوران سفر عبدالبهاء به غرب همزمان با بحران بزرگ سیاسی و اجتماعی در ایران بود. دو دولت بزرگ یعنی روس و انگلیس برای تقسیم ایران به توافق رسیده بودند و عوامل داخلی آنان که در رأس کارها قرار داشتند زمینه را برای برآورد این نقشه فراهم می کردند. مملکت آشفته و مقروض بود و از دولت مرکزی فقط نامی باقی بود. ایرانیان میهن دوست در کمال پریشانی و یأس از فردای ایران سلب امید کرده بودند. عبدالبهاء در تمام ملاقاتهای خود با ایرانیان در باره آینده پرشکوه ایران و اهمیت کوشش در ترویج صنعت و کشاورزی و تجارت بیاناتی ایراد نمود. همواره در اطرافیان روح امید می دمید و اطمینان می داد که ایرانیان میتوانند با کوشش و تلاش کشور خود را به پای بزرگترین کشورهای دنیا برسانند. از جمله روز ۲۸ ژانویه ۱۹۱۲ در بیانات خود به "بعضی محترمین ایرانی" که در پاریس به ملاقات او شتافته بودند در مورد ایران چنین گفت:

" هر چند استقلال ایران را به باد دادند ولی ایران روز به روز به ترقی است. ناامید نباید بود زیرا هرکسی پنج روزه نوبت اوست. هیچ چیز بر یک منوال نمی ماند، در هر صورت مستقبل ایران بسیار خوب است... حال ما باید در ترقی زراعی و صناعی و تجاری ایران بکوشیم... ایران نمی رود. چون به تحسین اخلاق ملت پردازیم هر قسمی ترقی در آن هست... مدتی نمی گذرد که منتها آمل جلوه نماید و مملکت ایران غبطه جنان و روضه رضوان شود."

یکصد و شصت سال مبارزه با آئین بهائی ص ۸۲-۸۰